

جلسه سوم

۱۴۰۰/۱۲/۱۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ﴾^۱

در ارتباط با بحث تفسیری که مسائل اعتقادی قرآن کریم مورد صحبت بود، بحث اخیر ما مسئله آزمایش و ابتلاء در قرآن، با عنوان سنت‌های الهی در قرآن کریم بود. سنت یعنی روش، طریقه، برنامه. و سنت‌هایی خداوند متعال در ارتباط با خلقتش دارد. یکی از سنت‌ها، روش‌ها که برای همه امم، همه طوائف، انبیاء قبل از پیامبرگرمی اسلام و نیز برای حضرتش و همه امت‌ها است، سنت آزمایش است و امتحان.

آیاتی در این مورد قرائت شد. آن چه تا کنون صحبت شده است اصل قطعیت این سنت بود. حتمی بودن این سنت طبق آیه‌های فراوانی که در قرآن کریم بیان شده است. در مسئله ابتلاء، اهمیت آزمایش، آیه‌های متعددی خوانده شد. بحث‌های دیگرش مطرح نشده است. و بحث‌های مهم مفصلی در کار هست.

آیه سی و یک سوره مدثر

در تئمه همین اهمیت آزمایش، یک آیه دیگر مناسب دیدم که قرائت کرده باشم. آیه شریفه ۳۱ سوره مدثر ﴿وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا﴾ قرآن کریم می‌فرماید که دوزخ برای دوزخیان دورادور مشخص و روشن است. ﴿لَوْ أَحَاطَ لِلْبَشَرِ﴾ بر این دوزخ و جهیم ﴿عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ﴾ نوزده تا ملک، ملک عذاب و شدت که در وصف آن‌ها در روایات و مسائل مربوطه بیانات بسیار عجیبه‌ای هست در عظمت آن‌ها، قدرت آن‌ها، شدت خشم آن‌ها. ﴿لَوْ أَحَاطَ لِلْبَشَرِ * عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ * وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا﴾^۲ و ما این‌ها را نوزده تا قرار دادیم برای آزمایش. طبعاً به همه ذهن‌ها می‌آید چرا نوزده تا؟ خب بیست تا، صد تا، ده تا، این نوزده از کجا در می‌آید؟ قرآن می‌فرماید این کار را کردیم تا امتحان باشد. بگویند این چرا نوزده تا؟ یعنی این قدر مسئله امتحان جدی است. تا آن جایی که این کار را هم ما برای امتحان و آزمایش کردیم. مسئله آزمایش تا آن جا هست که ﴿خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَكْبَرُكُمْ أَحْسَنُ

۱ - سوره اسراء، آیه ۹.

۲ - سوره مدثر، آیات ۲۹ تا ۳۱.

عَمَلًا^۱.

پس ﴿وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا﴾ آن‌هایی که اهل ایمان هستند، که تسلیم هستند. ولی آن‌ها که ان قلت و حرف و مناقشه و اشکال دارند بالاخره برای آزمایش و امتحان. تا این جا مسئله آزمایش و امتحان مهم است. از همه مهم‌تر هم همین آیه‌ای که قبلا خواندیم که خلق موت و حیات به خاطر امتحان است و آزمایش است.

در هر قبض و بسطی آزمایش و ابتلاء است

حالا در این مورد در بیانات معصومین علیهم‌السلام هم بیانات آمده است که نتیجه‌اش این می‌شود که تمام حرکات ما، سکناات ما، خوبی‌هایی که به ما برسد، ناراحتی‌هایی که پیش بیاید، هر آنچه از قبض و بسط در همه شئون ما رخ بدهد، همه و همه به خاطر آزمایش است و امتحان.

حالا در این مورد این حدیث شریف را دقت بفرمایید که در توحید صدوق هست، در کتاب شریف کافی هست، و من قرائت می‌کنم از جلد پنجم کتاب شریف بحار صفحه دویست و شانزده. حدیث این است که «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا مِنْ قَبْضٍ وَلَا بَسْطٍ إِلَّا وَ اللَّهِ فِيهِ مَشِيئَةٌ وَقَضَاءٌ وَ ابْتِلَاءٌ»^۲. هیچ قبض و بسطی در شئون مختلف انسان رخ نمی‌دهد، - حالا قبض و بسط یک کمی بسط داده می‌شود یعنی چه، با بیان شیرینی که مرحوم علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه دارند که بسیار لطیف است. - «مَا مِنْ قَبْضٍ وَلَا بَسْطٍ» هیچ قبض و بسطی نیست «إِلَّا وَ اللَّهِ فِيهِ مَشِيئَةٌ» الا این که در آن کار، خدا باید مشیت داشته باشد، اراده کند، و اراده خدا در کار است. ولی اراده خدا معنایش رضایت خدا نیست. معنایش این است که خدا مانع نمی‌شود از قدرتی که داده، مانع نمی‌شود که ما به کار بگیریم. رضایتش وقتی است که اختیار ما خوب باشد. و سخطش وقتی است که کار ما زشت باشد. «وَ قَضَاءٌ» مشیت می‌کند، اراده می‌کند و حکم می‌کند که این کار بشود، یا این کار نشود.

«وَ ابْتِلَاءٌ» آن که شاهد مسئله است، این است «وَ ابْتِلَاءٌ» یعنی در همه کارها ابتلاء و آزمایش هست. هر نگاه ما، هر نفس مان، هر قدم مان، هر فراز و نشیبی که در کارهای ما پیش بیاید همه و همه عوامل آزمایش و امتحان ما هست.

۱ - سوره ملک، آیه ۲.

۲ - بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۲۱۶/۵ باب ۸ التمهيص والاستدراج والابتلاء والاختبار ...

بیان علامه مجلسی

این جا آن بیان لطیف مرحوم علامه مجلسی، که این بیانها، اقولها، ممکن ان يقال و امثال این تعبیرهایی که مرحوم علامه مجلسی در احادیث دارند، بسیار بسیار شیوا و شیرین و در موارد علمی هم بسیار مهم است. و در هر جایی هم آنچه می‌باید از موضع گیری‌ها در مقابل افکار فلاسفه، بیان کردند. که بسیار بیاناتشان در این زمینه هم فوق العاده است. بیان این قبض و بسط را توضیح دادند، آن هم با کمال احتیاط. «لعل القبض و البسط» که ما من قبض و لا بسط هیچ ضیق و هیچ سعه‌ای، قبضی بسطی نیست، «لعل القبض و البسط في الأرزاق بالتوسيع و التقتير» قبض و بسط در روزی به این است که یک کسی روزیش کم باشد، کسی زیاد. سعه در روزی و کمی در روزی.

«و في النفوس بالسرور و الحزن» قبض و بسط در نفوس و روح انسان این است که گاهی محزون می‌شود، گاهی خیلی خوشنود هست. این سرورش بسط است و حزنش قبض است. کما این که آن جا هم جمله قبلی توسعش بسط است، تقتیرش قبض است.

«و في الأبدان بالصحة و الألم» صحت بسط است، و الم و رنج و درد قبض است.

«و في الأعمال بتوفيق الإقبال إليه و عدمه» اگر انسان در جهت کارهای خیر توفیق پیدا کرد، آن جا بسط است. اگر توفیق پیدا نکرد قبض است.

«و في الأخلاق بالتحلية و عدمها» قبض و بسط در اخلاق، اخلاق نیک پیدا کند بسط اخلاق است. اگر عکس باشد قبض اخلاقی است.

«و في الدعاء بالإجابة له و عدمها و في الأحكام بالرخصة في بعضها و النهي عن بعضها». در ارتباط با احکام مواردی که اجازه داده شده به انسان، مجاز شده، بسط است. آن جایی که تکلیفی شده، قبض است. با این بیانشان قبض و بسط را توضیح دادند که بالاخره «ما من قبض و لا بسط الا و لله فيه مشیة و قضاء» که از بحثان خارج است.

و باز مسئله مهمی است آنچه که مورد بحث شد و ابتلاء یعنی پس تمام حرکات و سکناتمان، نشست و برخاست ما، تمام شئونمان در آزمایشیم. خوشا به حال آن کسی که در همه حالات این دقت را دارد.

این حدیث از وجود مقدس حضرت امیر علیه السلام رسیده یک کسی به آقا حضرت امیر گفت که آقا حالتان چه طور است؟ از حضرت احوالپرسی کرد. حضرت کسالتی داشتند، ناراحت بودند. در همین بحار شریف جلد ۵ صفحه ۲۱۳ «أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَرَضَ فَعَادَهُ إِخْوَانُهُ فَقَالَ كَيْفَ نَجِدُكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»

یک کسی گفت آقا حالتون چه طور است؟ چه جور می بینیم شما را؟ حضرت فرمودند در شر هستم من.
«قَالَ بَشَرٌ».

خلاف توقع آن ها شد. گفتند آقا شما و این طور حرف زدن! در همه حالات و اوضاع چیز دیگر است.
«قَالَ بَشَرٌ قَالُوا مَا هَذَا كَلَامٌ مِثْلِكَ» گفتند از شما توقع نداریم بگوئید بشر. «فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ وَ نَبَلُوكُمْ بِالشَّرِّ
وَ الخَيْرِ فِتْنَةً» به عنوان آزمایش ما گرفتارتان می کنیم. «فَالْخَيْرُ الصَّحَّةُ وَ الْغِنَى وَ الشَّرُّ الْمَرَضُ وَ الْفَقْرُ». «فِتْنَةً
أَي ابْتِلَاءٍ وَ اخْتِبَارًا وَ شِدَّةَ تَعَبٍ»^۱. به این ها آزمایش می کنیم شما را. به این اوضاع و احوال مختلف.
پس بالنتیجه چه می شود همه حوادثی که رخ می دهد برای انسان، همه این ها فتنه هست. یعنی آزمایش
است، و باید در آن کاملاً مراقب بود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ